

جاهلیت به‌عنوان فرهنگی فراگیر بر جهان مقارن ظهور اسلام حاکم بوده است. قرآن کریم نیز هرچند به لحاظ بستر نزول قرآن و ظهور اسلام بودن، بر نمودهای جاهلی در شبه‌جزیره قبل از اسلام تأکید دارد،^۱ اما سبب یا شأن نزول آیات به‌هیچ‌وجه محدودکننده مفهوم آنها نیست و کلیت مفاهیم، فرازمانی و فرامکانی است. بدین لحاظ، باید گفت که جاهلیت در تمام جهان قبل از اسلام وجود داشت: از شبه‌جزیره عربستان تا روم، از مصر تا ایران، لیکن درصد آن متفاوت بود.^۲ در ایران مقارن ظهور اسلام نیز شواهد متعددی از فرهنگ جاهلی قابل ارائه است. اما در این نوشتار، نمودهای جاهلی در حوزه زنان و نظام خانواده مورد بررسی تاریخی و تحلیل معرفتی قرار گرفته است. موضوع این نوشتار، بررسی انحراف‌ها و کژی‌های بینشی و رفتاری در حوزه زن و خانواده و زمینه‌ها و عوامل آن است. ظهور اسلام به‌عنوان احیاگر عدالت و حقانیت در حوزه‌های مختلف از جمله در حوزه زن و خانواده، منجر به آزادی زنان از اسارت‌ها و محو نگرش نامعقول و ایجاد نگرشی جدید در این عرصه شد. آشنایی با تاریخ ایران قبل از اسلام و تحلیل آن، اهمیت و نقش ورود اسلام به ایران و اسباب و زمینه‌های گرایش سریع مردم ایران - به‌ویژه زنان - به اسلام را به وضوح نشان می‌دهد.^۳

پیش‌تر، پژوهش‌های موردی در حوزه زنان و نظام خانواده در ایران مقارن ظهور اسلام صورت گرفته که عبارتند از: مقاله «جایگاه زن در فرهنگ و حقوق عصر ساسانی»،^۴ که بیشتر به موضوع حقوق زن در دوره ساسانیان پرداخته است. برخورداری از حقوق متناسب با شأن انسانی، بیان محرومیت‌های حقوقی زنان در جامعه ایران و تملک مرد نسبت به جسم و عرض و ناموس زن از موارد مطرح در آن است. نیز تحقیق کریستین بارتلومه که با عنوان «زن در حقوق ساسانی»^۵ منتشر شده به بیان مسائل حقوقی زنان دوره ساسانیان نظیر ذکر برخی ازدواج‌ها و احکام آنها، ازدواج با محارم، بیان احکام حقوقی زنان در جامعه پرداخته است. اکتفا به مباحث جزئی حقوقی و عدم ارائه نگرشی جامع در حوزه مؤلفه‌های نامعقول آن دوره، از وجوه تمایز تحقیق‌های صورت‌گرفته با تحقیق پیش‌روست.

الف. وضعیت کلی زنان در جامعه ایران مقارن ظهور اسلام

زنان و دختران در ایران مقارن ظهور اسلام از جایگاه پایین‌تر از انسان برخوردار بودند! یکی از برداشت‌ها از آیین زرتشت، زنان را موجوداتی اهریمنی و از نژاد اهریمن که حق شرکت در آیین‌های مذهبی را ندارند^۶ توصیف می‌کرد. بهره‌کشی جنسی، بهائیم‌انگاری، عدم اعتقاد به شخصیت حقوقی و حقیقی برای زن، کالا و شیئی‌انگاری و تحقیر زن در متون دینی زرتشت از مهم‌ترین نمودهای رویکرد مذکور است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

Tāriḫ Islam dar Āyene-ye Pazhuḥesh _____ Vol.15, No.1, Spring & Summer 2018

۱. «ظن الجاهلیه» (آل عمران: ۵۴)؛ «حکم الجاهلیه» (مائده: ۵۰)؛ «تبرج الجاهلیه» (احزاب: ۳۳)؛ «وحمیة الجاهلیه» (فتح: ۲۶).

۲. سیدمحمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۴۴-۲۴۱.

۳. شایان ذکر است که اثبات تاریخی نمودهای جاهلی در ایران مقارن ظهور اسلام به مفهوم آن نیست که امروزه نیز زرتشتیان ایران یا دیگر نقاط ملتزم به این عادات و آداب هستند. طبعاً با ورود اسلام به ایران و تحت تأثیر تعالیم اسلامی، بسیاری از این عادات و سنن جاهلی دستخوش تغییر یا تعدیل شده است.

۴. زهرا الهویی نظری، جایگاه زن در فرهنگ و حقوق عصر ساسانی.

۵. کریستین بارتلومه، زن در حقوق ساسانی.

۶. مهرداد بهار، ادیان آسیایی، ص ۷۲-۷۳.

بررسی نمودهای فرهنگ جاهلی در عرصه زن و خانواده

در ایران مقارن ظهور اسلام

seyyed_ha@yahoo.com

کلیه سیدحامد نیازی / کارشناس ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی

jabbari@qabas.net

محمدرضا جباری / دانشیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۹۷/۰۱/۲۵ - پذیرش: ۹۷/۰۷/۱۲

چکیده

فرهنگ جاهلی در دوره پیش از اسلام بر همه جا سایه افکنده بود. در قرآن کریم بدون آنکه از مکان، زمان و قوم خاصی نام ببرد به مؤلفه‌ها و ویژگی‌های جاهلیت اشاره کرده است، اما برای فهم بیشتر مخاطبان اولیه، که همان عرب جاهلی بود، نمونه‌هایی از فرهنگ جاهلی در جزیره‌العرب را برشمرده است. بدین لحاظ، نباید جاهلیت را منحصر در جزیره‌العرب دانست. در آستانه ظهور اسلام، ایران به‌عنوان یکی از مناطق دارای اهمیت جغرافیایی و سوابق تمدنی، مشحون از نمونه‌های فرهنگ جاهلی بود. در این نوشتار به تحلیل نمودهای فرهنگ جاهلی در یکی از بخش‌های مهم جامعه، یعنی حوزه زنان و نظام خانواده در ایران معاصر ظهور اسلام می‌پردازیم. محورهای کلی مورد بحث، عبارت است از: چگونگی جایگاه و منزلت زنان در نگاه ایرانیان مقارن ظهور اسلام، گونه‌های ازدواج، چگونگی رفتار با زنان و فرزندان، و در نهایت، تحلیل زمینه‌ها و عوامل این وضعیت.

کلیدواژه‌ها: ظهور اسلام، ایران، جاهلیت، فرهنگ جاهلی، جاهلیت در ایران، زن و خانواده در ایران عصر ساسانی.

– کالا و شیئی نگاری

زن در ایران قبل از اسلام «به عنوان شیء، کالا^۱ و وعاء(ظرف)»^۲ تلقی می‌شد، لذا شخصیت حقوقی نداشت و شخص فرض نمی‌شد. نگرش مذکور منجر به ورود مسئلهٔ «خرید و فروش زنان» به متون زرتشتی^۳ و ظهور احکام انحرافی نظیر اهدای دختران^۴ گردید. لذا بر زنان و دختران، اصل مالکیت و انحصار مترتب بود، احتکار می‌شدند، مبادله می‌گردیدند و قرض داده می‌شدند. فروخته، و به خارج از کشور صادر می‌گردیدند.^۵ حتی ارسال لباس زنانه برای فرد خاطی از روش‌های تحقیر افراد توسط پادشاهان ساسانی بود^۶ و به دلیل این‌گونه باورهای نامعقول نسبت به دختران،^۷ پس از ازدواج آنان، پدر و مادر بر وی می‌گریستند که «دختر ما را به بردگی می‌برند»!^۸

– ابزار جنسی

احکام عجیب نکاح^۹ که در ادامه به آن اشاره خواهد شد و بی‌مبالاتی جنسی و نابسامانی و تشمت در امر ازدواج و مناسبات خانوادگی در زمان ساسانیان (به‌ویژه از سده سوم میلادی به بعد) از دیگر شواهد جاهلیت ایرانیان مقارن ظهور اسلام است.^{۱۰} زن و شراب خانواده‌ها را به طرف انحطاط و زوال سوق می‌داد.^{۱۱} مرد هیچ محدودیتی از لحاظ تعدد زوجات نداشت^{۱۲} و تعداد همسران، ارتباط مستقیم با استطاعت مالی وی داشت.^{۱۳} به گفته برخی مورخان، «به دلیل اینکه ایرانی‌ها خیلی عشرت‌پرست بودند»^{۱۴} «غلب مردان در ایران مقارن ظهور اسلام، به زوجات و کنیزان حرم خود اکتفا نمی‌کردند».^{۱۵} در چنین وضعیتی، رسم حجاب بیشتر میان زنان اشراف رواج داشت، ولی زنان طبقات پایین که مجبور بودند کار کنند، بدون حجاب با مردها اختلاط داشتند!^{۱۶} و مجموع این اوصاف، زن را به ابزاری در راستای مطامع جنسی مردان تبدیل کرده بود.

Tāriḵ Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh _____ Vol.15, No.1, Spring & Summer 2018

۱. هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان، ج ۱، ص ۳۸۵-۳۸۴؛ اوستا، ج ۲، ص ۶۹۸ کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۵۸.

۲. مجتبی مینویی و محمداسماعیل رضوانی، نامه تنسر به گشنسب، ص ۶۵.

۳. همان؛ کلمان هوار، ایران و تمدن ایرانی، ص ۱۵۹-۱۶۰.

۴. اوستا، ج ۲، ص ۸۱۷-۸۲۳ برای اطلاع بیشتر، رک: هانس رایشلت، رهیافتی به گاهان زرتشت و متن‌های نوواستایی، ص ۲۵۸-۲۶۰.

۵. محمودرضا افتخارزاده، ایران آیین و فرهنگ، ص ۳۶۲.

۶. ابوحنیفه دینوری، اخبار الطوال، ص ۱۱۱؛ آرتور آمانوئل کریستن سن، وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان، ص ۱۴۳.

۷. کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۴۶.

۸. روایت پهلوی، ص ۵۴.

۹. مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۲۵۳ و ۲۵۴-۲۶۳.

۱۰. کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۱۷۶؛ هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان عصر اوستایی تا پایان دوران ساسانی، ج ۱، ص ۳۸۳-۳۸۲.

۱۱. کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۴۳.

۱۲. کریستین سن، وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان، ص ۷۰؛ مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۲۵۳.

۱۳. محمدجواد باهنر و اکبر هاشمی، جهان در عصر بعثت، ص ۶۰.

۱۴. حسن پیرنیا و اقبال آشتیانی، تاریخ ایران از مادها تا انقراض قاجاریه، ص ۳۴۳.

۱۵. کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۴۸۹.

۱۶. محمدجواد باهنر و اکبر هاشمی، جهان در عصر بعثت، ص ۶۱-۶۰.

– بهائیم‌نگاری

در ایران مقارن ظهور اسلام، زنان در کنار ملابینه‌های چهارپا ذکر می‌شدند. در *اوستا* (کتاب مقدس زرتشتیان) چنین آمده: «بین خویشکاری^۱ هر آئشون^۲ مردی است که هر مادینهٔ بارداری را خواه دو پا، خواه چهارپا، خواه زن، خواه ماده سگ نگاهدار باشد».^۳

– فقدان جایگاه حقوقی

زن دارای حقوق اجتماعی مشخصی نبود و تحت قیمومیت رئیس خانوار (پدر، شوهر یا جانشین آنها) زندگی می‌گذراند.^۴ و حتی، انفاق^۵ و اجاره زن توسط شوهرش به مردی دیگر،^۶ ممهور به مجوزهای شرعی می‌شد!^۷ و هدایا و درآمدهای زن، همه تعلق به رئیس خانوار داشت.^۸ لذا اگر به زن، ارمان یا ارثی تعلق می‌گرفت، شوهر وی می‌بایست خود را رسماً به عنوان قیم قانونی او معرفی می‌نمود.^۹

– تحقیر زن در متون دینی زرتشتیان

در متون دینی زرتشت، رویکرد تحقیرآمیزی نسبت به زنان دیده می‌شود که در ادامه به نمونه‌ای مهم اشاره می‌شود. بدن زنان پس از سقط جنین، نجس تلقی می‌شد!^{۱۰} و پیدایش عادت ماهیانه در زنان اثری اهریمنی بود!^{۱۱} زن دشتان (زن در دوره عادت ماهیانه)، از جامعه طرد و در مکانی به نام دشتانستان (که در برخی نقاط ایران تا ۶۵ سال پیش استفاده می‌شد!)^{۱۲} ادامه حیات می‌داد!^{۱۳} مسیر دشتان از هر گل و بوته‌ای پاک، و محل سکونت وی دارای خاک خشک با دیوارهای بلند بود تا نگاهش به آفتاب نیافتد!^{۱۴} و کمترین مقدار غذا را به او می‌دادند تا نیرو نگیرد!

Tāriḵ Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh _____ Vol.15, No.1, Spring & Summer 2018

۱. از تغییر مهم دینی مزدپروستان است. از اهورمزدا تا کوچکترین ایزدان و از مردمان تا دیگر آفریدگان، وظیفه و کار ویژه‌ای دارند که باید آن را به سرانجام برسانند، این کار ویژه را خویشکاری می‌خوانند و آن کسی که این خویشکاری را به جای می‌آورد خویشکار می‌نامند (اوستا، ج ۲، ص ۹۸۷).

۲. به معنای پیرو، رهرو راه (اوستا، ج ۲، ص ۹۱۹).

۳. اوستا، ج ۲، ص ۸۲۹.

۴. کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۶۳ در ایران قدیم زن، از عقد قرارداد و معامله منع می‌شد، لیک در عصر ساسانی، پادشا زنان می‌توانستند عقد قرارداد داشته باشند (همان، ص ۶۴).

۵. اوستا، ج ۲، ص ۶۹۸ وندیداد، فرگزد ۴، بند ۴۴؛ هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان، ج ۱، ص ۳۸۲-۳۸۳.

۶. روایت پهلوی، ص ۱۷؛ هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان، ج ۱، ص ۳۸۴-۳۸۵.

۷. هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان، ج ۱، ص ۳۸۸.

۸. کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۴۰.

۹. همان، ص ۶۳.

۱۰. شایست و ناشایست، ص ۱۳.

۱۱. زهرا الهویی نظری، جایگاه زن در فرهنگ و حقوق عصر ساسانی، ص ۳۴.

۱۲. شایست و ناشایست، ص ۵۴. یادداشت‌ها.

۱۳. اوستا، ج ۲، ص ۸۳۵-۸۳۹.

۱۴. اوستا، ج ۲، ص ۸۳۵.

برخی از دیگر احکام زن دشتان عبارت بود از: ممنوعیت شستن دست‌ها با آب^۱ و لزوم شستن با ادرار گاو!^۲ ناپاک شدن دست‌هایی که زن دشتان نگاهش به آن بیافتد!^۳ عدم جواز نگاه به گوسفند، گیاه، آتش،^۴ آب، خورشید و دیگر روشنی‌ها (لذا باید در تاریکی مطلق و گاه در سرمای شدید روزگار سپری می‌کرد)، عدم جواز راه رفتن در باران.^۵

اگر خون زن دشتان به کسی یا چیزی می‌رسید همه را باید با آب و ادرار گاو می‌شستند!^۶ اگر کسی با زن دشتان برخورد می‌کرد گنه‌کار بود!^۷ اگر لباس فردی با بدن وی برخورد می‌کرد، باید قسمت برخورد کرده لباس را با ادرار گاو می‌شست!^۸ طفل را از وی دور نگاه می‌داشتند و معتقد بودند طفل با نزدیک شدن به وی بدبخت می‌شود!^۹ و اگر کودکی با وی برخورد می‌کرد باید کل بدنش شسته می‌شد!^{۱۰} پلیدی درب مستراح کمتر از درب خانه دشتان بود، از این‌رو، «می‌توانستند درب مستراح را برای خانه دشتان استفاده کنند، ولی نمی‌توانستند درب خانه دشتان را برای مستراح استفاده کنند».^{۱۱}

خوراکی که سه گام از زن دشتان فاصله داشت پلید و غیرقابل استفاده بود، نیز باقی‌مانده غذای وی، حتی برای خودش نیز پلید بود.^{۱۲} سفره‌ای که زن دشتان در آن غذا می‌خورد، اگر با وی تماس پیدا می‌کرد پلید می‌شد.^{۱۳} غذایش در پست‌ترین ظروف نهاده، و فردی که غذا را می‌برد سه گام دورتر از وی می‌ایستاد.^{۱۴} بعد از گذشت مدت معلوم، باید سه گودال در زمین می‌کنند و بر سر دو گودال، زن دشتان را با گُمیز (ادرار گاو) و بر سر سومین گودال، با آب می‌شستند!^{۱۵}

رویکرد مذکور در گزارش‌های تاریخی^{۱۶} نظیر فرار قباد از زندان برادرش بیان شده است. وقتی خواهر قباد اول (که همزمان همسرش نیز بود) به زندان قباد رفت، رئیس زندان، متعرضش گردید، او به عذر اینکه دشتان است رئیس زندان را به وعده زنا امیدوار ساخت و قباد را در فرشی پیچید و روی شانه غلام نهاد^{۱۷} در حال خروج، زندانبان

۱. شایست و ناشایست، ص ۶۲
۲. همان.
۳. همان، ص ۵۹و۵۱.
۴. اگر به آتش می‌نگریست، در زمره گناهکاران بود (همان).
۵. شایست و ناشایست، ص ۶۴
۶. همان، ص ۱۳۴.
۷. همان، ص ۶۳
۸. شایست و ناشایست، ص ۱۳ و ۶۰
۹. کریستن سن، وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان، ص ۷۱.
۱۰. اوستا، ج ۲، ص ۸۳۶-۸۳۷ برای اطلاع از معنای گُمیز، ر. ک: شایست و ناشایست، ص ۶۷ یادداشت‌ها.
۱۱. شایست و ناشایست، ص ۲۹.
۱۲. همان، ص ۶۰
۱۳. همان، ص ۶۵
۱۴. همان، ص ۶۶
۱۵. اوستا، ج ۲، ص ۸۳۵-۸۳۶ (وندیباد، فرگرد ۱۶، بند ۱۸-۱). برای اطلاع از معنای گُمیز، ر. ک: شایست و ناشایست، ص ۶۷ یادداشت‌ها.
۱۶. نظیر: نصیره همسر شاپور اول، ر. ک: ابوعلی مسکویه رازی، تجارب الامم، ج ۱، ص ۱۳۳.
۱۷. احمدبن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۰۱-۲۰۲؛ ابوحنیفه دینوری، اخبار الطوال، ص ۹۴. محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۴۱-۶۴۰

از وی در مورد فرش پرسید، گفت: این بستر ایام زنانگی‌ام است و می‌برد تا پاکیزه کند و بازگرداند، او باور کرد و به فرش دست نزد و به آن نزدیک نشد^۱ زیرا در آیینش، آن فرش پلید بود.^۲

ب. وضعیت زنان در خانواده

زن در نظام خانواده از مظاهر نامعقول جاهلی رنج می‌برد. ازدواج ایرانیان در قرن ۷ میلادی بسیار آشفته و نامنظم بود.^۳ در خانه‌های اشرافی در کنار تعدد زوجات که تعداد آنها گاهی به صدها مورد می‌رسید^۴ دو طبقه از زنان شوهردار وجود داشتند،^۵ زنانی که مقام پادشازن و زنانی که مقام چکر زن^۶ را داشتند.^۷ گرچه پادشازن، سرپرستی بردگان در منزل،^۸ از جمله چکر زنان^۹ را بر عهده داشت، ولی از ازدواج استقراری و برده‌داری جنسی و جنسیتی درامان نبود.

اگر زنی بیوه می‌شد همه چیز از وی سلب می‌گردید.^{۱۰} زن هر روز می‌باید سه بار از شوهر خود می‌پرسید که چه باید بیاندیشد، چه باید بگوید و چه باید بکند.^{۱۱} ازجمله مقررات دینی دوره ساسانیان آنکه مرد برای تنبیه زن، حق داغ نهادن و حتی قتل او (مرگ ارزان)^{۱۲} را دارا بود.^{۱۳} به دلیل تأکید فراوان متون دینی زرتشت بر انفاق و اجاره زن توسط شوهر به مردی دیگر،^{۱۴} اجاره زن به صورت گسترده رواج داشت!^{۱۵} و در این متون، احکامی مرتبط با ازدواج استقراری وجود داشت.^{۱۶} نتیجه آنکه به دلیل آزادی در تنوع ازدواج، روابط زناشویی و مسائل مربوط به آن در ایران مقارن ظهور اسلام، بسیار مبهم^{۱۷} و فسادانگیز بود.

۱. محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۴۰-۶۴۱
۲. ابوعلی مسکویه رازی، تجارب الامم، ص ۱۶۳. برای اطلاع از گزارش تاریخی مذکور، ر. ک: احمدبن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۰۱ و ۲۰۲؛ ابوحنیفه دینوری، اخبار الطوال، ص ۹۴؛ محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۴۱-۶۴۰ ابوعلی مسکویه، تجارب الامم، ص ۱۶۳؛ حسن پیرنیا، ایران قدیم، ص ۲۰۰.
۳. کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۳۴۸.
۴. کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۵۱.
۵. همان، ص ۵۲. ر. ک: کلیمان هوار، ایران و تمدن ایرانی، ص ۱۵۹-۱۶۰؛ یوزف ویسهوفر، ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰
۶. جزو برده و کنیزها به‌شمار می‌آمدند.
۷. کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۵۲.
۸. همان، ص ۵۲-۵۳.
۹. همان، ص ۵۵-۵۴.
۱۰. همان، ص ۵۳.
۱۱. همان، ص ۶۲
۱۲. به معنی اعدام است (اوستا، ج ۲، ص ۱۰۵۴).
۱۳. روایت پهلوی، ص ۴۵.
۱۴. اوستا، ج ۲، ص ۶۹۸ روایت پهلوی، ص ۱۷؛ هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان، ج ۱، ص ۳۸۲-۳۸۸.
۱۵. کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۵۹.
۱۶. همان، ص ۶۱
۱۷. همان.

– گونه‌های ازدواج

همچون عرب جاهلی، در ایران مقارن ظهور اسلام نیز گونه‌های متعدد ازدواج وجود داشت. مرد هیچ محدودیتی از لحاظ تعدد زوجات نداشت^۱ و هر مردی تمکن مالی بیشتری داشت، همسرانش افزایش می‌یافت.^۲ در ادامه به اشکال ازدواج در ایران مقارن ظهور اسلام اشاره می‌شود.

۱. **ازدواج پادشازن:** ازدواجی که زن با رضایت والدین انجام می‌داد^۳ و مقام پادشا زن پیدا و زن برتر خانه شده و سرپرستی بردگان و زنان درجه دوم منزل را عهده‌دار می‌گردید.^۴

۲. **ازدواج درجه دو:** زنی که همسر فرد می‌شد و در طبقه دوم از زنان وی قرار می‌گرفت، لذا گفته شده: این طبقه از زنان، جزو برده‌ها و کنیزها به‌شمار می‌آمدند و سرپرست آنها پادشاه زن بود،^۵ آنها زنان درجه دومی بودند که خادمه پادشا زن بودند.^۶ فرزندانشان هیچ حقی در ارث نداشتند^۷ و تا ۷۰ سالگی از خوراک و پوشاک و مقرری برخوردار و بعد از ۷۰ سالگی از آنها محروم می‌شدند!^۸

۳. **ازدواج موازی:** اگر شوهری به همسر خود می‌گفت: از این به بعد، صاحب اختیار خود هستی، با این سخن، زن طلاق داده نمی‌شد، ولی اجازه داشت به یک زناشویی دوم، به طور موازی با ازدواج نخستین خود اقدام کند.^۹ حکم مذکور بهانه بسیار آسانی برای تعویض و مبادله زنان بود!^{۱۰}

۴. **ازدواج نامشروع:**^{۱۱} اگر پدری عمداً از انجام وظیفه خود نسبت به دخترش کوتاهی می‌ورزید در این صورت دختر می‌توانست بدون اذن پدر ازدواج کند، و بدین لحاظ، این ازدواج نامشروع تلقی می‌شد. اما عجیب آنکه قوانین حکومت ساسانی، پشتیبان دختر بود و فرزندان حاصل از این ازدواج، پیک خدایان نامیده می‌شدند!^{۱۲}

Tāriḫ Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh _____ Vol.15, No.1, Spring & Summer 2018

۱. کریستین سن، وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان، ص ۷۰؛ مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۲۵۳؛ کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۵۱.
۲. محمدجواد باهنر و اکبر هاشمی، جهان در عصر بعثت، ص ۶۰.
۳. همان.
۴. کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۵۲.
۵. همان.
۶. همان، ص ۵۸.
۷. همان. حق اولویت و اختیار تام بر اموال برای مرد باقی بود و چکر زن هیچ اختیاری نداشت (همان، ص ۶۳).
۸. همان، ص ۵۵-۵۴.
۹. کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۶۰.
۱۰. همان.

۱۱. ازدواج دختر در ایران دوره ساسانیان، مشروط به اذن پدر بود، اگر در مواردی که شرایط فراهم بود، ولی پدر اجازه ازدواج نمی‌داد. شریعت زرتشت، به دختر اجازه می‌داد تا ازدواج نماید، لذا به دلیل اینکه پدر راضی نبود، نام این ازدواج، ازدواج نامشروع نامیده می‌شد، ولی به دلیل اینکه حکومت اجازه این نوع ازدواج را صادر می‌کرد، ازدواج آنها، قانونی بود. لذا ازیکسو، نامشروع و از سوی دیگر قانونی بود.

۱۲. کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۴۹-۵۰.

۵. **ازدواج درون‌خاندانی:** به منظور حفظ اصالت خاندان، وقتی مردی از دنیا می‌رفت و پسری نداشت، بیوه وی را به نزدیک‌ترین خویشاوندش به همسری می‌دادند و زن نیز حق انتخاب نداشت. نیز اگر مردی از دنیا می‌رفت و همسری نداشت، برای جبران این خلأ، مردی بدون همسر از خویشاوندانِ فردِ متوفی با دختر یا زنی از نزدیک‌ترین بستگانش ازدواج می‌کرد. در هر دو مورد، فرزندان حاصل از ازدواج جدید را اولاد مرد متوفی می‌دانستند! اما اگر هیچ زنی که خویشاوند نزدیکِ فردِ متوفی باشد وجود نداشت، ما تَرک او را جهیز زنی می‌کردند و به همسری یکی از خویشانش می‌دادند.^۱

۶. **ازدواج استقراضی:** مردی، همزمان با استمرار زناشویی، همسرش را به ازدواج موقت مرد دوم درمی‌آورد.^۲ در این ازدواج، شوهر اول می‌توانست این عمل را بدون جلب رضایت زن انجام دهد.^۳ در متون دینی زرتشت، استقراض زن در شمار خیرات و ثواب‌ها قرار داشت!^۴ ازدواج استقراضی با اهداف مختلفی انجام می‌گرفت همچون: تولید فرزند (برده)،^۵ زیرا فرزندان متولدشده از شوهر دوم، متعلق به شوهر اول بودند.^۶

حل مشکلات اقتصادی^۷ و درآمدزایی برای شوهر اول؛^۸ زیرا وی می‌توانست از شوهر دوم همسرش، مبلغی درخواست کند؛^۹ تأمین نیروی کار برای شوهر دوم و یا شوهر اول؛^{۱۰} تأمین همسر برای مردانی که نیاز به همسر داشتند؛^{۱۱} مسائل جنسی، عشقی^{۱۲} و تفریح و تفنن؛^{۱۳} خدمات و نگاه‌داری فرزندان شوهر دوم.^{۱۴}

برخی به دنبال همسان‌سازی ازدواج استقراضی با محلل در اسلام هستند^{۱۵} که بطلان این دیدگاه با توجه به آموزه‌های اسلامی آشکار است.

برخی از احکام مربوط به ازدواج استقراضی: اگر شوهری زن خود را به مردی قرض می‌داد و آن مرد بدون اجازه همسر اول و با رضایت زن، وی را به مرد سومی واگذار می‌کرد، اگر یک سال عمل مذکور بدون اطلاع مرد اول

- Tāriḫ Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh _____ Vol.15, No.1, Spring & Summer 2018
۱. مجتبی مینویی و محمداسماعیل رضوانی، نامه تنسر به گشنسب، ص ۶۷-۶۸ کلمان هوار، ایران و تمدن ایرانی، ص ۱۵۹-۱۶۰.
 ۲. روایت پهلوی، ص ۱۷؛ هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان، ج ۱، ص ۳۸۴-۳۸۵؛ کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۵۶؛ عبدالحسین زرین‌کوب، تاریخ مردم ایران، ج ۱، ص ۴۸۱؛ حسن پیرنیا، ایران قدیم: تاریخ مختصر ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان، ص ۲۳۶ و ۲۳۷.
 ۳. کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۵۷-۵۶.
 ۴. هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان، ج ۱، ص ۳۸۸.
 ۵. همان، ص ۳۸۵.
 ۶. کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۵۸.
 ۷. هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان، ج ۱، ص ۳۸۵.
 ۸. روایت پهلوی، ص ۱۷؛ هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان، ج ۱، ص ۳۸۴-۳۸۵؛ محمودرضا افتخارزاده، ایران آیین و فرهنگ، ص ۳۶۳-۳۶۵.
 ۹. همان؛ یوزف ویسهوفر، ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد، ص ۲۲۵.
 ۱۰. هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان، ج ۱، ص ۳۸۴-۳۸۵.
 ۱۱. همان، ص ۳۸۲ و ۳۸۴.
 ۱۲. هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان، ج ۱، ص ۳۸۵.
 ۱۳. همان، ص ۳۸۶.
 ۱۴. همان.
 ۱۵. کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۲۶-۲۷، پیش‌گفتار.

ادامه می‌یافت، زن و سه مرد محکوم به مرگ می‌شدند.^۱ هنگامی که شوهر اصلی، زن خود را به طور موقت و عاریتی به شوهر دوم به همسری می‌داد، مال و دارایی زن، به شوهر دوم داده نمی‌شد.^۲ در واگذاری زن، توسط شوهر اول به شوهر موقت، یک علت خیرخواهانه لازم بود مانند نیاز داشتن مرد دوم.^۳ اعتراض زن نسبت به قرارداد شوهر اصلی درباره واگذاری موقت وی به شوهر دوم، بی‌اثر و بی‌اعتبار بود، لذا این واگذاری بر اساس عقدنامه صورت می‌گرفت.^۴

در ازای واگذاری زن به شوهر دوم، وی موظف به نگهداری کامل، امرار معاش و رفع نیازمندی‌های زن بود. در کنار قیمومیت شوهر دوم، کودکانی که در نتیجه زناشویی استقرای متولد می‌شدند به شوهر اصلی تعلق و حکم کودکان کنیز را داشتند؛ یعنی زن اجاره داده شده حکم کنیز را داشت. درباره طول مدت ازدواج استقرای نصی در دست نیست، لیکن تعیین مدت به عهده طرفین بود و با توجه به موضوع کودکان این نوع ازدواج، مدت آن معمولاً طولانی بود. ازدواج مذکور در طبقات اشرافی و غیراشرافی جاری و امری مرسوم و متداول میان آنها بود.^۵

۷. ازدواج با محارم: مهم‌ترین نماد فرهنگ جاهلی در ایران دوره ساسانیان در نظام خانواده، ازدواج با محارم با نام «خویدوده»^۶ بود. ازدواج با محارم که در متون پهلوی به صراحت از آن یاد شده^۷ عبارت است از: ازدواج پدر با دختر، ازدواج مادر با پسر و ازدواج برادر با خواهر!^۸

این نوع ازدواج که از سنت‌های مرسوم میان عامه مردم – به‌ویژه – طبقه اشراف و حاکم بود،^۹ از اعمال بسیار خدایپسندانه محسوب می‌شد!^{۱۰} ازدواج با محارم، قبل از ظهور زرتشت شکل گرفت و تا دوره صفویه در ایران استمرار داشت.^{۱۱} گسترش آن خاصه در مرزهای ایران و روم، منجر به واکنش و ممنوعیت آن توسط دولت روم شرقی گردید.^{۱۲} **کرتیر** (از بزرگان زرتشت) در کتیبه زرتشت، یکی از افتخارات خود را انجام چنین وصلت‌هایی برای بسیاری

۱. محمودرضا افتخارزاده، ایران، آیین و فرهنگ، ص ۳۶۴-۳۶۵؛ هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان، ج ۱، ص ۳۸۸.
۲. کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۵۷؛ روایت پهلوی، ص ۱۷؛ هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان، ج ۱، ص ۳۸۴-۳۸۵؛ محمودرضا افتخارزاده، ایران آیین و فرهنگ، ص ۳۶۳-۳۶۵؛ یوزف ویسهوفر، ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد، ص ۲۲۵.
۳. کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۵۸-۵۹؛ اوستا، ج ۲، ص ۶۹۸.
۴. کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۵۷-۵۹.
۵. همان.
۶. نام‌های دیگری برای سنت مذکور در ایران مقارن ظهور اسلام ذکر شده است، نظیر: خویدودت، خوینوگدس خوتودت، خوینوگدت و...، لیکن در تحقیق پیش‌رو از کلمهٔ خویدوده استفاده می‌شود.
۷. همان، ص ۶.
۸. روایت پهلوی، ص ۶.
۹. هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان، ج ۱، ص ۳۸۷؛ یوزف ویسهوفر، ایران باستان، ص ۲۲۳.
۱۰. کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۶۱.
۱۱. محمودرضا افتخارزاده، ایران آیین و فرهنگ، ص ۲۳۰-۲۳۷.
۱۲. یوزف ویسهوفر، ایران باستان، ص ۲۲۴. این رویکرد در اشعار شاعران صدر اسلام نیز منعکس شده، از جمله صاحب ابن عباد (ر.ک: کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۱۹، پاورقی).

ذکر می‌کند^۱ و می‌گوید: «بسیاری پیوند هم‌خون برقرار کردم و مردم بسیاری که بی‌ایمان بودند مؤمن شدند».^۲ گستره عمل مذکور تا جایی بود که مؤسس سلسله ساسانیان به آن توصیه‌آکید می‌نمود: «زن از خویشاوندان بگیرید که خاندان و نسبتان محفوظ ماند».^۳ رویکرد معنوی و مقدس در کنار جایگاه عظیم برای سنت مذکور در متون فقهی زرتشتی منعکس شده است.

عوامل دینی و غیردینی وقوع و شیوع ازدواج با محارم

وجود برخی باورهای دینی و اجتماعی، و تبلیغ و دفاع گسترده و عمل به آن توسط پادشاهان ساسانی، از مهم‌ترین اسباب وقوع و رواج این سنت بسیار ناپسند جاهلی در عرصه خانواده و اجتماع بود. ازدواج خواهر و برادر، کاری روا بین شاه و خواهران شاه بود.^۴ خواهران شاه که همزمان، همسر شاه بودند ملقب به «شهبانوی شهبانوان» می‌شدند.^۵ اردشیر بابکان، علاوه بر توصیه به رعیت و عمال خود، به ازدواج با محارم،^۶ با دختر خود به نام دینک ازدواج کرد.^۷ *شاپور اول* نیز با دختر ارشدش به نام *آذرناهد* ازدواج کرد.^۸ *بهرام* نیز در راستای اجرای سنت خویدوده، با دختر خود به نام *دختک* ازدواج کرد.^۹ و *نرسی* نیز با خواهر خود به نام *دختک*، سنت خویدوده را انجام داد.^{۱۰} *یزدگرد دوم* که در میانه قرن پنجم قدرت را به دست گرفت، با دختر خود ازدواج کرد، ولی بعد از مدتی وی را به قتل رساند!^{۱۱} اما قتل دختر و همسرش، تأثیر منفی زیادی در وی گذارد، لذا خشونت و ظلم حداکثری علیه رعایا و مسیحیان به کار می‌برد.^{۱۲} در اواخر قرن پنج میلادی، *قباد اول* با خواهرش *زامبیکه* ازدواج کرد.^{۱۳} او برای فرار از زندان برادرش

۱. مهری شیرمحمدی، ازدواج با محارم در اوستا و متون پهلوی، ص ۱۵. ارداویراف با هفت خواهر خود ازدواج کرده بود. کرتیر و ارداویراف دو تن از موبدان بزرگ ساسانی هستند که تقریباً در یک دوره زندگی می‌کنند و ارداویراف چون رسم خویدوده را با هفت خواهر خود به جا آورده است، از نظر موبدان گناهانش پاک شده است؛ چراکه کسی که خویدوده را به جای آورد گناهانش پاک می‌گردد. در آغاز این نوع ازدواج اختلاف است. برخی آن را به زمان هخامنشیان برمی‌گردانند و برخی هم مادها را آغازگر این روش غیرمنطقی در ازدواج می‌دانند. نام دیگر این ازدواج، درون همسری است (همان، ص ۱۵).
۲. محمودرضا افتخارزاده، ایران آیین و فرهنگ، ص ۲۳۶.
۳. علی‌بن حسین مسعودی، مروج‌الذهب و معادن الجواهر، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، ج ۱، ص ۲۴۳.
۴. ماریا بروسیوس، ایرانیان عصر باستان، ص ۲۲۰ و ۲۱۹.
۵. همان.
۶. علی‌بن حسین مسعودی، مروج‌الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، ص ۲۴۳.
۷. ولادیمیر گریگوریویچ لوکونین، تاریخ تمدن ساسانی، ص ۴۸-۴۹ و ۳۲۵. مهری شیرمحمدی، ازدواج با محارم در اوستا و متون پهلوی، ص ۱۸.
۸. یوزف ویسهوفر، ایران باستان، ص ۲۱۷؛ لوکونین، تمدن ایران ساسانی، ص ۳۲۵؛ محمودرضا افتخارزاده، ایران آیین و فرهنگ، ص ۲۳۶. مهری شیرمحمدی، ازدواج با محارم در اوستا و متون پهلوی، ص ۱۸.
۹. محمودرضا افتخارزاده، ایران آیین و فرهنگ، ص ۲۳۶.
۱۰. ماریا بروسیوس، ایرانیان عصر باستان، ص ۲۲۰.
۱۱. عبدالحسین زرین‌کوب، تاریخ مردم ایران، ج ۱، ص ۴۶۱؛ عبدالحسین زرین‌کوب، روزگاران: تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت ساسانیان، ص ۲۱۹.
۱۲. عبدالحسین زرین‌کوب، روزگاران: تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت ساسانیان، ص ۲۱۹.

بررسی نمودهای فرهنگ جاهلی در عرصهٔ زن و خانواده در ایران مقارن ظهور اسلام ◊ ۸۷

(جاماسب)، خواهر (همسرش) را به همبستر شدن با زندانبان برای آزادی وی، ترغیب کرد!^۲ *بهرام* چوبین با خواهر خود، کردیه ازدواج نمود.^۳ *قباد دوم* طبق رسم دیرین خانوادگی، درصد بر آمد تا با زنان پدرش (خسرو پرویز) ازدواج کند! و عجیب آنکه در میان همسران خسرو پرویز، مادر *قباد دوم* به نام *مریم*، و همچنین *شیرین* (که *قباد دوم* نسبت به وی اظهار علاقه می‌کرد) وجود داشتند.^۴

در ادامه، به مهم‌ترین زمینه‌ها و عوامل دینی و غیردینی این رفتار جاهلی اشاره می‌شود:

– ایجاد خلوص در اعتقاد به آیین زرتشت از طریق انجام سنت خویدوده؛^۵ لذا والامقام‌ترین فرد مذهبی و معنوی میان مغ‌ها به نام *ارداویراف*^۶ که مشهور به پارسایی بود،^۷ با هفت خواهر خود ازدواج کرد،^۸ که نشانه خصلت بی‌نقص وی تفسیر شده است!^۹

– سبب نزدیکی به خدا^{۱۰} و بهترین کردار نیک، گفتار نیک و پندار نیک^{۱۱} و از مهم‌ترین کارهایی که منجر به آموزش گناهان بزرگ می‌شد.^{۱۲}

– ثواب بسیار زیاد برای فردی که در ازدواج با محارم یاری می‌رساند، و جزای جهنم برای کسی که از ازدواج با محارم ممانعت کند ترسیم می‌شد.^{۱۳} لذا عذاب سهمگین زنانی که ازدواج با محارم را ترک و تباه کردند توسط *ارداویراف*^۱ در معراج دیده و توصیف شده است.^۲

-
- هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان، ج ۱، ص۴۸۷؛ عبدالحسین زرین‌کوب، روزگاران: تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، ص۲۲۶؛ مهری شیرمحمدی، ازدواج با محارم در اوستا و متون پهلوی، ص۱۸.
 - هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان، ج ۱، ص۳۸۷. برای اطلاع بیشتر ر.ک: احمدبن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۰۱–۲۰۲؛ محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ج۲، ص ۶۴۱؛ ابوحنیفه دینوری، اخبارالطوال، ص ۹۴؛ حسن پیرنیا، ایران قدیم، ص ۲۰۰؛ عبدالحسین زرین‌کوب، روزگاران ایران، ص ۲۱۴.
 - محمدبن جریری طبری، تاریخ طبری، ج۲، ص ۷۳۱و۷۳۴؛ محمدبن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۱۱؛ ابوعلی مسکویه، تجارب الامم، ج ۱، ص ۲۰۴؛ عبدالحسین زرین‌کوب، تاریخ مردم ایران، ج ۱، ص ۵۱۱؛ آرتور آمانوئل کریستن سن، وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان، ص ۷۴.
 - عبدالحسین زرین‌کوب، تاریخ ایران باستان، ج ۱، ص ۵۲۸.
 - هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان، ج ۱، ص ۳۸۷.

6. Arda-viraf.

- سرپرسی سایکس، تاریخ ایران، ج ۱، ص۵۳۹ داستان معراج رفتن وی و مشاهدات وی در عالم دیگر، به صورت مبسوط در ارداویراف‌نامه ذکر شده است: ر.ک: فیلیپ ژینیو، ارداویراف نامه، ص ۴۰–۴۴.
- فیلیپ ژینیو، ارداویراف نامه، ص ۴۱–۴۴؛ محمودرضا افتخارزاده، ایران آیین و فرهنگ، ص۳۳۷؛ کریستن سن، وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان، ص ۷۴؛ کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۶۱.
- فیلیپ ژینیو، ارداویراف نامه، ص ۴۱–۴۴.
- احمدبن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمهٔ محمدابراهیم آیتی، چ دهم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.

۱۱. روایت پهلوی، ص ۸ و ۴–۱۰.

۱۲. همان، ص ۵.

۱۳. همان.

◊ **۸۸ تاریخ اسلام در آینهٔ پژوهش**، سال پانزدهم، شماره اول، پیاپی ۴۴، بهار و تابستان ۱۳۹۷

– زیاد شدن دعاها: دعای کسی که با محارم ازدواج کرده بود صد برابر دیگر افراد به حساب می‌آمد.^۳

– صدقه دادن به اندازه جهان: کسی که با محارم خود ازدواج کند، اگر یک سال از ازدواجش گذشته باشد گویا

یک سوم همهٔ جهان را صدقه داده، اگر دو سال، دوسوم و اگر سه سال، گویا همه جهان را صدقه داده است.^۴

– جلوگیری از تباهی دودمان^۵ و اهتمام به پاکی نسب و خون خانواده.^۶

– از راه‌های حل اختلاف در تقسیم ارث.^۷

– از بین رفتن جادوها^۸ و سپری در برابر آسیب رساندن اهریمن و دیوها به انسان.^۹

نقد دیدگاه منکران رواج یا نادرستی ازدواج با محارم در عصر ساسانی

برخی از محققان بر کمرنگ شدن حداکثری آن در دوره ساسانیان،^{۱۰} محدود شمردن آن به سه مورد،^{۱۱} دروغ بودن انتساب آن به ایران آن دوره و یا استثنا بودن موارد ازدواج با محارم،^{۱۲} نیز مختص دانستن آن به طبقه اشراف و سلطنت،^{۱۳} تأکید دارند. برخی هم با تأیید سنت مذکور و دیگر موارد مرتبط در حوزه اجتماعی ایرانِ مقارنِ ظهور اسلام و قبل از آن، به حمایت ضمنی از آن پرداخته و دوره مذکور را «عصر طلاییِ غریزه جنسی»! معرفی کردند.^{۱۴} در یک تقسیم‌بندی می‌توان اقوال مطرح در حوزه مذکور را به صورت زیر بیان داشت:

قول اول: نفی فرهنگ مذکور به همراه پذیرش موارد استثنایی و محدود در آن دوره.

قول دوم: پذیرش حداکثری آن در ایران مقارن ظهور اسلام. قول دوم خود به دو قسمت تقسیم می‌شود: اول: پذیرش حداکثری آن در ایران مقارن ظهور اسلام به همراه تأیید و تأکید بر مثبت بودن آن.

۱. سرپرسی سایکس، تاریخ ایران، ج ۱، ص۵۳۹.
۲. فیلیپ ژینیو، ارداویراف‌نامه، ص۸۹.
۳. روایت پهلوی، ص۹.
۴. همان.
۵. محمودرضا افتخارزاده، ایران آیین و فرهنگ، ص۲۲۶.
۶. کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ص۳۲۱.
۷. کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۶۰–۶۱.
۸. همان، ص۸.
۹. همان، ص۹.
۱۰. علی‌اکبر مظاهری، خانواده ایرانی در روزگار پیش از اسلام، ص۱۴۳. برخی با قلت تأمل، قلت تبصر و کثرت تعصب به دنبال کمرنگ کردن مؤلفه نامعقول مذکور در ایران دوره ساسانیان هستند.
۱۱. «درباره سرتاسر دوره ساسانیان که بیشتر از چهار قرن (از قرن سوم تا هفتم) گسترش داشته است به جز دو سه مثال چیزی نمی توانیم بیابیم» ر.ک: علی‌اکبر مظاهری، خانواده ایرانی در دوران پیش از اسلام، ص۱۲۳.
۱۲. علی‌اکبر ولایتی، تاریخ ایران پیش از اسلام، ص ۳۴۰–۳۴۱.
۱۳. برخی مستشرقان، معتقد به احتیاط در تسری این حکم از خانواده سلطنتی و اشراف به بدنه جامعه است (یوزف ویسهوفر، ایران باستان، ص۳۲۴).
۱۴. کریستین بارتلومه، زن در حقوق ساسانی، ص۲۶. لازم به ذکر است گفته مذکور متعلق به مترجم در قسمت پیش‌گفتار است و از سوی بارتولومه بیان نشده است.

بررسی نمودهای فرهنگ جاهلی در عرصهٔ زن و خانواده در ایران مقارن ظهور اسلام ❖ ۸۹

دوم: پذیرش حداکثری آن در ایران مقارن ظهور اسلام، به همراه نفی عمل مذکور و مذمت آن به دلیل مخالفت با عقل و فطرت.

تحلیل‌ها در حوزه نفی حداکثری و تأیید حداقلی سنت مذکور در ایران قبل اسلام، صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا: اولاً، مورخان قرن سه هجری و پس از آن بر مرسوم بودن سنت مذکور در ایران، و این باور که سبب نزدیکی به خدا بوده، تأکید دارند.^۱ لذا با وجود منابع بسیار در مورد ازدواج با محارم در ایران، جای تردید بر رواج آن، باقی نمی‌ماند.^۲ ثانیاً، در کتیبه‌های باقی‌مانده از آن دوره، بر ازدواج با محارم افتخار شده است.^۳

ثالثاً، علاوه بر گفت‌وگوی زرتشت با/هورا/مردا در مورد ازدواج با محارم^۴ و دستور وی به زرتشت در مورد ازدواج با محارم،^۵ متون پهلوی نیز بر انجام سنت مذکور تأکید دارند.^۶ حتی پس از بازگشت زرتشت که نزد خداوند بود، اولین فرمان وی به مردم، ازدواج با محارم بوده است.^۷

رابعاً، ازدواج با محارم جزو رسومی بود که قبل از ساسانیان نیز در ایران مرسوم بود.^۸ لذا ساسانیان با تأکید بر اتحاد سرزمین و تأکید بر حفظ سنت‌های قبلی، بر ازدواج مذکور در گفتار و عمل تأکید می‌کردند.

خامساً، از ۳۵ پادشاه ساسانی، حداقل هشت نفر آنها، با محارم خود ازدواج کردند.

سادساً، برای خلوص نژاد، این نوع ازدواج میان ایرانیان قبل از اسلام، واجب بود.^۹ لذا پادشاهان ساسانی در کنار متون مذهبی زرتشت بر خلوص نژاد و حفظ طبقات تأکید داشتند. از این رو، ازدواج با محارم برای حفظ و حراست از نظام طبقاتی تأسیسی توسط پادشاهان ساسانی تبلیغ، ترویج و در قالب مذهب به مردم القا می‌شد و جامعه مورد تشویق‌های مذهبی فراوانی در حوزه مذکور قرار می‌گرفت و هدف از این‌گونه تبلیغات، حفظ و گسترش قدرت سیاسی ساسانیان بود.

سابعاً، تأکید پادشاهان ساسانی بر نظام طبقاتی و حفظ آن موجب گردید تا سنت خویدوده در تمام طبقات به

امری لازم و اجباری مبدل گردد.

Tāriḫ Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh _____ Vol.15, No.1, Spring & Summer 2018

۱. احمدبن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۱۶. نیز بنگرید: مهناز عباسی، فرایند اسلامی‌شدن فرهنگ در ایران تا پایان قرن چهارم با رویکرد تاریخ فرهنگی، ص ۲۶۷.
۲. کلمان هوار، ایران و تمدن ایرانی، ص ۱۵۹.
۳. محمودرضا افتخارزاده، ایران آیین و فرهنگ، ص ۲۳۶. مهری شیرمحمدی، ازدواج با محارم در اوستا و متون پهلوی، ص ۱۵.
۴. روایت پهلوی، ص ۵۴.
۵. همان، ص ۱۰.
۶. کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۶۱. هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان، ج ۱، ص ۴۸۷؛ روایت پهلوی، ص ۸. محمدجواد باهنر و اکبر هاشمی، جهان در عصر بعثت، ص ۶۲.
۷. روایت پهلوی، ص ۱۰.
۸. محمودرضا افتخارزاده، ایران آیین و فرهنگ، ص ۲۳۵-۲۳۶.
۹. کریستن سن، وضع ملت و دولت در دوره شاهنشاهی ساسانیان، ص ۷۴؛ یوزف ویسهوفر، ایران باستان، ص ۲۱۷.

❖ ۹۰. تاریخ اسلام در آینه پژوهش، سال پانزدهم، شماره اول، پیاپی ۴۴، بهار و تابستان ۱۳۹۷

ج. وضعیت فرزندان در خانواده

رویکرد نادرست به کودکان از دیگر مظاهر جاهلی در حوزه خانواده در ایران مقارن ظهور اسلام بود. نگاه شیء‌انگارانه – همچون زنان – نسبت به کودکان نیز رواج داشت،^۱ لذا تمام هدایا و دسترنج آنها به رئیس خانوار تعلق می‌گرفت.^۲ فروش کودکان به عنوان برده^۳ و قتل یا نقص عضو فرزند توسط پدر، مشروع و قانونی بود^۴ و پذیرش فرزندان پسر به عنوان عضوی از جامعه، در سن پانزده سالگی و طی مراسمی صورت می‌گرفت.^۵

نگاه تحقیرآمیز به دختران نیز از ویژگی‌های آن دوره است و معتقد بودند اگر مردی، فرزند پسر نداشته باشد به سختی می‌تواند از پل برزخی عبور کند! اهدای دختران نوجوان به روحانیون زرتشتی – به عنوان کفاره گناه والدین – از دستورات و تأکیدات مذهبی بسیار سخیف آن دوره بود.^۶ دختران قابل فروش بودند و پدر می‌توانست مقداری پول یا چیز دیگر را به جبران خسارت از دست دادن دخترش، از پدرخوانده طلب کند.^۸ همچنین برای اجرای دستورات دینی – به دلیل نگاه حقیرانه به دختران – باید فرزندی پسر برای خود انتخاب می‌کردند.^۹

کودکان در ازدواج‌های گوناگون، احکام متفاوتی داشتند. مثلاً، فرزندان چکر زن، هیچ حقی در ارث نداشتند.^{۱۰} یا در ازدواج استقراضی، کودکان متولدشده، حکم کودکان کنیزان را داشتند.^{۱۱} برای پیک خدایان (فرزندان ازدواج نامشروع) نیز حقوقی در نظر گرفته شده بود.^{۱۲}

نتیجه آنکه کودکان همانند زنان خرید و فروش می‌شدند، به عنوان شیئی مورد پذیرش اجتماعی بودند، حق تملک چیزی را نداشتند و دختران نسبت به پسران مقام پایین‌تری داشتند. کودکان ممکن بود مورد قتل و یا نقص عضو از سوی پدر قرار گیرند!

Tāriḫ Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh _____ Vol.15, No.1, Spring & Summer 2018

۱. هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان، ج ۱، ص ۳۸۴-۳۸۵. در مورد کالا بودن زن، ر.ک: اوستا، ج ۲، ص ۶۹۸.
۲. کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۴۰.
۳. همان.
۴. هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان، ج ۱، ص ۴۸۵؛ کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۴۰. وی به مسئلهٔ فروش فرزند توسط پدر به عنوان برده اشاره کرده است.
۵. یوزف ویسهوفر، ایران باستان، ص ۲۲۳.
۶. همان.
۷. اوستا، ج ۲، ص ۸۱۷-۸۲۳ برای اطلاع بیشتر، ر.ک: هانس رایشلت، رهیافتی به گاهان زرتشت و متن‌های نوآوستایی، ص ۲۵۸-۲۶۰.
۸. همان، ص ۴۶.
۹. همان.
۱۰. کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۵۸. حق اولویت و اختیار تام بر اموال برای مرد باقی بود و چکر زن هیچ اختیاری نداشت (همان، ص ۶۳).
۱۱. همان.
۱۲. همان، ص ۴۹-۵۰.

د. نقش حاکمیتی زنان در حکومت ساسانیان و تحلیل آن

در ایران مقارن ظهور اسلام، از یک سو، زنان به عنوان شیئی گریسته می‌شدند (انسان درجه دو)، حق ملکیت نداشتند، خرید و فروش می‌شدند و احکام نامعقول بر آنان تحمیل می‌شد. از سوی دیگر، تعداد معدودی از زنان که در طبقه پادشاهان قرار داشتند، در جایگاه برتر قرار می‌گرفتند تا جایی که در اواخر دوره ساسانیان، دو تن از آنان به مقام پادشاهی رسیدند.

زمانی که هرمز سوم و فیروز که از یک مادر بودند برای تصاحب قدرت با یکدیگر نزاع می‌کردند،^۱ مادرشان به عنوان ملکه قدرت را دست گرفته بود.^۲ شاپور دوم، در شکم مادر بود که تاج شاهی را بر شکم وی گذاردند و با در خوابگاه وی آویزان کردند.^۳ در زمانی که وی در شکم مادر بود، نیز بعد از تولد تا دوره بلوغ، مادرش به همراهی درباریان، شانزده سال پادشاهی کرد.^۴

قباد اول که به دلیل حمایت از مزدک از سلطنت خلع و به زندان افتاده بود، پس از چندی با مدیریت خواهرش که همسرش نیز بود از زندان فرار و به دامان هیاطله پناهنده گردید.^۵ کردیه (همسر و خواهر بهرام چوبین)^۶ پس از قتل بهرام چوبین، به همسری بسطام درمی‌آید، و با تدبیر و حیله خسرو پرویز، اقدام به قتل بسطام (که ادعای استقلال در شرق ایران را داشت) می‌کند و به پاس این جنایت، خسرو پرویز با وی ازدواج می‌کند.^۷ همچنین خسرو پرویز در راستای پناهندگی‌اش به روم، با مریم دختر امپراطوری روم ازدواج می‌کند و مریم مسیحی در کنار تأثیرگذاری فراوان بر خسرو،^۸ اقدام به مدیریت فعالیت‌های مسیحیان در ایران می‌نماید.^۹ همسر دیگر خسرو پرویز، شیرین نام داشت که او نیز مسیحی بود^{۱۰} و با تأثیرگذاری بر وی باعث ایجاد فضای باز فرهنگی و مالی برای مسیحیان ایران گردید.^{۱۱}

Tāriḫ Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh Vol.15, No.1, Spring & Summer 2018

۱. محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۲۸-۶۳۲؛ ابوحنیفه دینوری، اخبار الطوال، ص ۸۷؛ ابوعلی مسکویه، تجارب الامم، ج ۱، ص ۱۵۶؛ کلمان هوار، ایران و تمدن ایرانی، ص ۱۳۲.
۲. محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۲۸-۶۳۲؛ ابوحنیفه دینوری، اخبار الطوال، ص ۸۷؛ ابوعلی مسکویه، تجارب الامم، ج ۱، ص ۱۵۶؛ کلمان هوار، ایران و تمدن ایرانی، ص ۱۳۲.
۳. شرح آن در گذشته بیان شد.
۴. حسن پیرنیا، ایران قدیم: تاریخ مختصر ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان، ص ۱۸۷.
۵. احمدبن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۰۱ و ۲۰۲؛ ابوحنیفه دینوری، اخبار الطوال، ص ۹۴؛ محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۴۰-۶۴۱؛ ابوعلی مسکویه، تجارب الامم، ص ۱۶۳؛ حسن پیرنیا، ایران قدیم، ص ۲۰۰. لازم به ذکر است مسبوط این گزارش توسط یعقوبی در تاریخ یعقوبی آمده است.
۶. احمدبن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۱۱.
۷. ابوحنیفه دینوری، اخبار الطوال، ص ۱۳۵.
۸. عبدالحسین زرین کوب، روزگاران: تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، ص ۲۴۶.
۹. ابوعلی مسکویه، تجارب الامم، ج ۱، ص ۲۰۳؛ عبدالحسین زرین کوب، تاریخ مردم ایران، ج ۱، ص ۵۱۷.
۱۰. عبدالحسین زرین کوب، روزگاران: تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، ص ۲۴۶.
۱۱. محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۷۳۳ و ۷۶۶؛ عبدالحسین زرین کوب، تاریخ مردم ایران، ج ۱، ص ۵۱۷؛ عبدالحسین زرین کوب، روزگاران: تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، ص ۲۴۶؛ کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۴۶۹-۴۷۳.

پیامدهای حضور مریم و شیرین در دربار ساسانیان عبارت است از: گسترش فزاینده مسیحیت در ایران،^۱ گروش پادشاه ساسانی (خسرو دوم) به مسیحیت،^۲ به صورتی که جامه‌های صلیب‌دار می‌پوشید،^۳ اهدای گسترده هدایا و نذورات به کلیساها در ایران،^۴ تأسیس کلیساهای فراوان در ایران،^۵ نفوذ مسیحیان در لایه‌های امنیتی دربار به طوری که محافظان پادشاه ساسانی، هزار نفر مسیحی از سپاه بیزانس بودند.^۶ تأثیرگذاری مسیحیان در انتخاب پادشاهان ساسانی^۷ و آزادی نامعقول عیسویان در تبلیغ مسیحیت در ایران.^۸

پادشاهان ساسانی در کنار همسران متعدد، حرمسراهایی برای خوش‌گذرانی داشتند. هزاران زن و دختر آزاد و بنده در حرمسرای وسیع خسرو پرویز وجود داشت! او در اخذ تصمیم دچار تردید بود، لذا به سراغ سخنان غیب‌گویان و فال‌گیران می‌رفت.^۹ علت گرایش وی و دیگر پادشاهان ساسانی به رمالی و فالگیری را علاقه مفرط به حرمسرا و استعراق در صحبت با زنان و فقدان صرف وقت کافی برای رسیدگی به امور دانسته‌اند.^{۱۰}

در اواخر پادشاهی ساسانیان در ایران، پوراندخت و آذرمیدخت، دختران خسرو پرویز، به تخت پادشاهی تکیه زدند. در جنگ قدرت میان ساسانیان، از اسلاف مرد خسرو پرویز، کسی زنده نماند، لذا پوراندخت را به پادشاهی برگزیدند.^{۱۱} پوراندخت را بعد از شانزده ماه پادشاهی خفه کردند و قدرت به فرد بعدی (گُشَسَب) منتقل گردید.^{۱۲} بعد وی نیز آذرمیدخت دختر دیگر خسرو به قدرت رسید.^{۱۳} وی به دلیل مسائل جنسی، بعد از شش ماه توسط فرزند فرخ هرمز، چشمانش میل کشیده و به قتل رسید.^{۱۴}

Tāriḫ Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh Vol.15, No.1, Spring & Summer 2018

۱. تاریخ ایران کمبریج، ج ۳، قسمت سوم ساسانیان، ص ۸۱.
۲. عبدالحسین زرین کوب، تاریخ مردم ایران، ج ۱، ص ۵۱۷؛ کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۴۶۹.
۳. احمدبن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۰۹.
۴. عبدالحسین زرین کوب، روزگاران: تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، ص ۲۴۶؛ کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۴۶۹.
۵. عبدالحسین زرین کوب، تاریخ مردم ایران، ج ۱، ص ۵۱۷؛ همو، روزگاران: تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، ص ۲۴۶.
۶. عبدالحسین زرین کوب، روزگاران: تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، ص ۲۳۷-۲۳۷؛ همو، تاریخ مردم ایران، ج ۱، ص ۵۱۷؛ محافظان شاه هزار نفر مسیحی از سپاه بیزانس بودند که محافظت از شخص شاه ایران را بر عهده داشتند (ر.ک. عبدالحسین زرین کوب، روزگاران: تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، ص ۲۴۷).
۷. عبدالحسین زرین کوب، تاریخ مردم ایران، ج ۱، ص ۵۲۰.
۸. کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۴۶۹.
۹. عبدالحسین زرین کوب، روزگاران: تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، ص ۲۵۰.
۱۰. همان.
۱۱. احمدبن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۴؛ ابوحنیفه دینوری، اخبار الطوال، ص ۱۴۲؛ علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجوهر، ج ۱، ص ۴۷۵؛ همو، التنبیه والاشراف، ص ۹۶.
۱۲. عبدالحسین زرین کوب، تاریخ مردم ایران، ج ۱، ص ۵۲۹.
۱۳. عبدالحسین زرین کوب، روزگاران: تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، ص ۲۵۳؛ کولسنیکف، ایران در استانه سقوط ساسانیان، سرپرسی سایکس، تاریخ ایران، ج ۱، ص ۶۷۸؛ ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه، ج ۲، ص ۱۸۵۵-۱۸۵۷؛ یوزف ویسهوفر، ایران باستان، ص ۲۱۷.
۱۴. احمدبن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۵؛ علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجوهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، ص ۴۷۵؛ علی بن حسین مسعودی، التنبیه والاشراف، ص ۹۶؛ محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۷۸۳-۷۸۴؛ عبدالحسین زرین کوب، روزگاران: تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، ص ۲۵۴؛ حسن پیرنیا، ایران قدیم: تاریخ مختصر ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان، ص ۲۲۰.

تحلیل قدرت‌افزایی زنان دربار در ایران مقارن ظهور اسلام

با مطالعه تاریخ ایران مقارن ظهور اسلام، به نوعی تعارض ظاهری میان برخی گزارش‌های تاریخی محدود برخورد می‌شود. ازیک‌سو، زنان، انسان‌های درجه دومی بودند که خرید و فروش و به دلیل دشتان، از جامعه طرد می‌شدند و از سوی دیگر زنان معدود طبقه حاکم، تا حد پادشاهی بالا می‌آمدند! در تحلیل دو رویکرد مذکور بیان چند نکته ضروری است:

الف. جنس مؤنث در ایران مقارن ظهور اسلام به صورت کلی - اعم از اشرافی و غیراشرافی - از هر حیث تحت سلطه مرد بود^۱ و در مقایسه با مرد، انسان درجه دو محسوب می‌شد. به عنوان نمونه، نصیره قبل از آنکه همسر شاپور اول شود، وقتی دشتان می‌شد از شهر بیرونش می‌کردند.^۲

اما برای اقلیت مطلق زنان درباری، در کنار اعتقاد به انسان درجه دو بودن، جایگاهی بس رفیع قائل بودند؛ یعنی همان‌گونه که پادشاهان ساسانی از نژاد خدایان شمرده می‌شدند، زنان طبقه آنان نیز صاحب جایگاه والا بودند. نتیجه آنکه زنان درباری، در میان نوع زنان (که انسان‌های درجه دو محسوب می‌شدند) بالاترین مقام را داشتند. تلاش پادشاهان ساسانی برای جاودانه کردن معشوقه‌های خود^۳ از طریق منقش کردن تصاویر آنها بر روی جواهرات، مهره‌های خودشان^۴ و سکه‌ها^۵ در این مسیر قابل بررسی است.

ب. با توجه به گزارش‌های تاریخی، قدرت یافتن زنان تا سطح پادشاهی، عمومیت نداشت و در برهه‌هایی، به دلیل فقدان مرد در دربار ساسانی بود.^۶

نتیجه آنکه گرچه زنان در بدنه اجتماعی ایران (سطح اول) مورد حمله فشارهای اجتماعی زیادی بودند، لیکن اقلیت زنان دربار، در کنار ظلم جنسیتی، از نعمت‌های مادی و کسب مناصب سیاسی تا پادشاهی، بهره می‌بردند، از این‌رو، از عوامل افول ساسانیان، تحقیر اکثریت زنان، در کنار «بهره‌های سیاسی فراوان از اقلیت زنان درباری»^۷ بود.

هـ. عوامل جهل‌گرایی ایرانیان مقارن ظهور اسلام

زمینه‌ها و عوامل رفتارهای جاهلانه در ایرانیان مقارن ظهور اسلام، در دو حوزه درونی و بیرونی قابل بررسی است. در حوزه درونی، باید به سراغ بینش‌ها و باورهای انحرافی، در کنار کژی‌ها و ناراستی‌های اخلاقی همچون شهوت و قدرت‌پرستی رفت. در حوزه بیرونی، عوامل متعدد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را می‌توان برشمرد. در ادامه، دو حوزه یادشده بررسی خواهد شد.

Tāriḫ Islam dar Āyene-ye Pazhuḥesh _____ Vol.15, No.1, Spring & Summer 2018

۱. کریستین بارتولومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۶۲
۲. ابوعلی مسکویه، تجارب الامم، ج ۱، ص ۱۳۳.
۳. یوزف ویسهوفر، ایران باستان، ص ۲۱۷.
۴. همان.
۵. حسن پیرنیا، ایران قدیم: تاریخ مختصر ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان، ص ۱۸۴ و ۱۸۶؛ ولادیمیر گریگوریویچ لوکونین، تمدن ایران ساسانی، ص ۲۸۵؛ یوزف ویسهوفر، ایران باستان، ص ۲۱۷.
۶. احمدبن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، ج ۱، ص ۳۱۴؛ یوزف ویسهوفر، ایران باستان، ص ۲۱۷.
۷. کریستن سن، وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان، ص ۱۲۰.

عوامل درونی (بینشی و اخلاقی)

به گفته علامه طباطبائی، در ایران آن زمان، به جای علم، جهل بر زندگی حاکم بود و در تمامی امور، باطل به جای حق و استدلال تسلط داشت.^۱ پادشاهان ساسانی معتقد بودند از نژاد خدا و شخصیتی ربانی هستند.^۲ لذا خود را جانشین خداوند روی زمین^۳ و خداوندگار ایران^۴ معرفی و آن را هدیه‌ای از جانب خداوند می‌دانستند.^۵ به این معنا که رعایا نباید آنها را شاهی معمولی بدانند، بلکه باید آنها را با صفاتی الهی بشناسند. برای ایرانیان زمان ساسانی دو نوع خدا وجود داشت: نخست، شاه بزرگ و پدران او (چه زنده و چه مرده)، به عنوان انسان‌های خداگونه و مادی؛ و دیگری، خدایان به معنای واقعی یعنی موجوداتی معنوی.^۶

در حوزه انسان‌شناسی، زنان جنس فرودست معرفی، و نگاه ابزارانگارانه به آن، ترویج می‌شد و پیامد این نگاه، همسان‌نگاری زنان با چارپایان، کالاهای و اشیاء، و عدم قابلیت تملک چیزی توسط زنان، حق داغ نهادن بر زنان توسط شوهران، و در نهایت، تحقیر زنان در متون دینی تحریف‌شده زرتشت بود که نمونه بارزش - چنان‌که قبلاً گذشت - مسئله «دشتانستان» بود.

عدم احیای جایگاه حقیقی زن، عدم تأثیرگذاری در حوزه‌های مختلف اجتماعی (خاصه خانواده) و عدم جریان مزاحم برای عیش و نوش‌های پادشاهانه از مهم‌ترین عوامل تقویت نگرش مذکور توسط پادشاهان ساسانی بود. آنان به دنبال کسب بالاترین سطح از شهوت بودند و ساعات عمر خویش را به دو قسم مساوی تقسیم کرده بودند: بخشی را به جنگ و خونریزی و یا شکار و بخش دیگر را به تن‌آسایی و شهوت‌رانی اختصاص داده بودند.^۷ از این‌رو، با ظهور اسلام، مردم خاصه زنان در ایران، از عمق وجود آن را پذیرفتند و خود را از تحقیرهای چندصدساله و آزارهای روحی و جسمانی رها کردند.

عوامل بیرونی (اجتماعی، سیاسی و اقتصادی)

تأکید بر حفظ نظام طبقاتی با هدف افزایش قدرت سیاسی و عدم ورود غیر، به حریم قدرت سیاسی، از طریق ترویج و دینی نمودن ازدواج با محارم، از عوامل مهم گسترش ساختارهای جاهلی در نظام خانواده و وضعیت زنان آن دوره است و ازدواج با محارم به عنوان ابزاری برای حفظ نظام طبقاتی مذکور به صورت حداکثری توسط پادشاهان

Tāriḫ Islam dar Āyene-ye Pazhuḥesh _____ Vol.15, No.1, Spring & Summer 2018

۱. سیدمحمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۴۰.
۲. عبدالحسین زرین‌کوب، تاریخ مردم ایران، ج ۱، ص ۵۰۰؛ محمدجواد باهنر و اکبر هاشمی، جهان در عصر بعثت، ص ۳۶. لذا خود را، صورت یزدان و وجودی الهی و واجب‌الاحترام، نیز آدمی فناپذیر از میان خدایان معرفی می‌کردند (همان، ص ۳۶).
۳. ابوحنیفه دینوری، اخبارالطوال، ص ۱۰۳-۱۰۶؛ احمدبن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۰۴؛ عبدالحسین زرین‌کوب، روزگاران: تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، ص ۲۷۸؛ محمدجواد باهنر و اکبر هاشمی، جهان در عصر بعثت، ص ۳۶. خسرو انوشیروان بر این نکته در زندگی نامه خود نوشته‌اش، تأکید دارد. (ر.ک: ابوعلی مسکویه، تجارب الامم، ج ۱، ص ۱۹۳).
۴. عبدالحسین زرین‌کوب، تاریخ مردم ایران، ج ۲، ص ۴۳۷. در جلسه محاکمه مانی که در حضور بهرام اول انجام می‌گرفت، بهرام با عتاب‌های تند خطاب به مانی گفت: این وحی چرا باید به تو نازل شده باشد، نه به ما که خداوندگار کشوریم؟ (همان).
۵. عبدالحسین زرین‌کوب، تاریخ مردم ایران، ج ۱، ص ۴۱۷؛ کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۱۰۲.
۶. یوزف ویسهوفر، ایران باستان، ص ۲۰۷-۲۰۸.
۷. کریستن سن، وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان، ص ۱۶۰؛ حسن پیرنیا و اقبال آشتیانی، تاریخ ایران از مادها تا انقراض قاجاریه، ص ۳۴۳.

ساسانی ترویج می‌شد. نظام طبقاتی، در ایران مقارن ظهور اسلام در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، پرکاربرد بود، رویکرد طبقاتی در نظام اجتماعی ایران آن زمان، نوعی هنجار و ارزش تلقی می‌شد؛ لذا به صورت حداکثری مورد استفاده قرار می‌گرفت. تقسیم‌بندی مردم توسط /ردشیر بابکان^۱ و تأکید وی بر حفظ آن^۲ در این مسیر صورت گرفت.^۳ اصولاً پادشاهان ساسانی، هیچ اعتقادی به رشد مادی و معنوی مردم نداشتند، شخص والامقام، نباید بی‌نوا می‌شد و یا فرد فقیر و کسی که از خون و نژاد پست بود نباید به نوا می‌رسید.^۴ از پیامدهای نظام طبقاتی، شکل‌گیری اقشار به سه قسمت بالایی، متوسط و پایین بود^۵ و عجیب آنکه برخی، از نظام طبقاتی در ایران قبل از اسلام، تجلیل و آن را نمودی از فرهنگ و تمدن آن عصر برشمرده اند!^۶

تأکید بر نگرش‌های شهوانی در حیات اجتماعی، از دیگر عوامل مهم اجتماعی در ایجاد و گسترش نمودهای حیات جاهلی در ایران مقارن ظهور اسلام گردید. مجریان غنا، طرب، رقص، آواز و موسیقی جزو نزدیکان و ملازمان بدون واسطه شاه بودند^۷ و کارگزاران، رویه آنها را دنبال می‌کردند.^۸ زنان و رقاصان، بخشی از همراهان پادشاه در سفر و شکار بودند.^۹ لذا رویکرد مذکور، تساهل فوق‌العاده درباره امور و روابط جنسی و نابسامانی و تشتت در امر ازدواج و مناسبات خانوادگی را موجب گردید^{۱۰} که از آن به «تساهل جنسی» تعبیر می‌شود. در نتیجه، ازدواج ایرانیان در قرن ۷ میلادی بسیار آشفته و نامنظم گردید^{۱۱} و زن و شراب، خانواده‌ها را به طرف انحطاط و زوال سوق داد.^{۱۲}

برخی در تحلیل‌های خود از ولنگاری آن دوره، به مدارا و سعه صدر در امپراطوری ساسانی تعبیر و مردم آن دوره در ایران را دارای سعه‌صدر و افق نظر و بینشی بلند معرفی می‌کنند.^{۱۳} لیکن با مبنا قرار دادن فطرت و رویکرد مذکور، نوعی «منطق جاهلی در حوزه زنان و نظام خانواده» است و نه سعه‌صدر و بینش بلند.

دربار ساسانی در عیش و نوش، شهوترانی، تجملات و احتکار ثروت بسیار اسراف می‌کرد.^{۱۴} از این‌رو، اوج هرزگی، زن‌بارگی و عیاشی در حیات تاریخی ساسانیان^{۱۵} منعکس شده است، به طوری که آمار و ارقام نجومی آن از حوصله

Tāriḫ Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh _____ Vol.15, No.1, Spring & Summer 2018

۱. علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۱، ص ۲۳۸-۲۳۹.
۲. ابوعلی مسکویه، تجارب الامم، ج ۱، ص ۱۲۱-۱۲۲.
۳. ترتیب مقامات و طبقات در ایران دوره ساسانیان، امری بسیار پیچیده و تاریک است (کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۱۱۲).
۴. همان.
۵. شهرزاد ساسان‌پور، قشربندی اجتماعی ایران در عصر ساسانیان، ص ۲۰.
۶. عزیزالله بیات، شناسایی منابع و مأخذ تاریخ ایران، ص ۱۵۴.
۷. حسن پیرنیا و اقبال آشتیانی، تاریخ ایران از مادها تا انقراض قاجاریه، ص ۲۳۸.
۸. کریستین سن، وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان، ص ۱۵۹.
۹. ماریا بروسیوس، ایرانیان عصر باستان، ص ۲۲۵.
۱۰. هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان، ج ۱، ص ۳۸۳.
۱۱. کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۳۴۸.
۱۲. کریستین بارتلومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۴۳.
۱۳. همان، ص ۶۰.

باور کردن خارج می‌شود. این در حالی بود که هرزگی و بی‌بندوباری را در حوزه مذهب توجیه و کودکان روابط آزاد (روابط نامشروع) را بیک خدایان می‌خواندند^۳ و زنان غیرایرانی که در لشکرکشی‌ها اسیر می‌شدند را به حرمسرای خود می‌بردند.^۴ گسترش بی‌بندوباری در ایران مقارن ظهور اسلام به قدری وسیع بود که پادشاهان ساسانی اقدام به اهدای دختران و زنان ایرانی به دربار کشورهای دیگر می‌کردند.^۵

از دیگر عوامل مهم اجتماعی در شکل‌گیری و گسترش انحراف‌ها در حوزه زنان و نظام خانواده، «عامل اقتصادی» است. لذا با هدف تولید درآمد و تولید برده، دختران و زنان، خرید و فروش و قرض داده می‌شدند، نگرش برده‌انگارانه به زنان در ازدواج به دلیل وجود نگاه اقتصادی بود. در راستای تصاحب اموال زنان، آنها حق ملکیت نداشتند و چون در سن کهولت صرفه اقتصادی نداشتند، به حال خویش واگذارده می‌شدند. صادرات و واردات زنان از پیامدهای نگاه کالا و شیء‌انگارانه به زنان بود؛ زنان تحت تملک واقع، احتکار و مبادله شده و قرض داده، و فروخته شده و به خارج از کشور صادر می‌گردیدند! تمام این مصائب، منجر به انحراف جامعه نسبت به زنان و نظام خانواده گردید. علاوه بر اینکه، عامل اقتصادی از عوامل شکل‌دهنده انحراف‌های مذکور در حوزه زنان و نظام خانواده بود، «خود انحراف‌های مذکور، پیامدهای منفی در بعد اقتصادی برای زن به همراه داشت».^۶

مردم ایران مقارن ظهور اسلام، با دردها و رنج‌های بسیاری مواجه بودند. از این‌رو، جامعه ساسانی قبل از آنکه از بیرون مورد تهدید واقع شود، از درون آماده انفجار بود.^۷ شورش‌های مردمی در اواخر قرن ۵ میلادی و اوایل قرن ۶ میلادی سند قاطعی است بر وجود تنش‌های اجتماعی در امپراطوری ساسانی، به‌ویژه در دوره‌های بحران.^۸ نگرش منفی به زن و نظام خانواده در ایران مقارن ظهور اسلام از جمله انحراف‌های معرفی و ساختاری مذکور بود. زنان به عنوان اشیایی قابل خرید و فروش و موجوداتی درجه دوم تعریف شده بودند. هیچ حقی در حوزه اقتصادی و حقوقی نداشتند. اهدای دختران، جاهلیت جنسیتی، خرید و فروش دختران، قرض دادن زن توسط شوهر به مردی دیگر با اهداف اقتصادی، شهوانی، تفریحی و مذهبی، تأثیر نظام طبقاتی بر نظام خانواده، داغ نمودن زن توسط شوهر، تحقیر زنان در متون دینی تحریف‌شده زرتشت، تساهل جنسی، تأسیس دشتانستان و حذف معنوی زنان از جامعه، ازدواج با محارم برای حفظ نظام طبقاتی و تقویت آن، از انحرافی وسیع در حوزه زنان در ایران مقارن ظهور اسلام

۱. کلمان هوار، ایران و تمدن ایرانی، ص ۱۴۶.
۲. هاشم رضی، دانشنامه ایران باستان، ج ۱، ص ۳۸۶.
۳. کریستین بارتلومه، زن در حقوق ساسانی، ص ۴۹-۵۰.
۴. ماریا بروسیوس، ایرانیان عصر باستان، ص ۲۲۰.
۵. عبدالحسین زرین‌کوب، روزگاران؛ تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، ص ۲۷۴.
۶. رستم شهزادی، قانون مدنی زرتشتیان گفتاری درباره کتاب ماتیکان هزار دانستان، ص ۱۰۹. برای اطلاع بیشتر در حوزه حقوق زنان در موارد اقتصادی رک: همان، ص ۱۰۸-۱۱۲.
۷. برای اطلاع بیشتر، رک: مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۷۸-۹۰.
۸. یوزف ویسهوفر، ایران باستان، ص ۲۱۹.

حکایت دارد. عوامل متعدد معرفتی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی و اجتماعی منجر به شکل‌گیری انحراف‌های مذکور گردید. با ورود اسلام به ایران و آشنا شدن مردم خاصه زنان با مبانی منطبق با عقلانیت و فطرت، بارقه‌های امید برای جامعه ایرانی خاصه زنان شکل گرفت، از این‌رو، با گرمی‌پذیرای اسلام شدند.

نتیجه‌گیری

واقعیات تاریخی همگام با متون دینی اسلامی گویای جاهلیتی فراگیر در مناطق مختلف جهان مقارن با ظهور اسلام است و نمودهای فرهنگ جاهلی به اشکال گوناگون و مشترک یا متفاوت، در نقاط مختلف به چشم می‌خورد. ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین زیست‌گاه‌های بشر در دوره ظهور اسلام، از این واقعیت مستثنا نیست؛ و مؤلفه‌ها، عناصر و نمودهای فرهنگ جاهلی در عرصه‌های دینی، فردی، خانوادگی و اجتماعی به گونه‌ای آشکار وجود داشته است. در این نوشتار به بررسی نمودهایی از فرهنگ جاهلی در بُعد زن و خانواده پرداخته شد. متأسفانه در بررسی شواهد تاریخی، به واقعیات تلخی - به‌ویژه در ارتباط با زنان - برمی‌خوریم. زنان در سطح یک شیء و کالا و هم‌ردیف بهائم پنداشته می‌شدند و آداب و قوانین سخیفی نسبت به آنان در عرصه خانواده و جامعه رواج داشت که سنت دستان نمونه‌ای بارز از این آداب است. گونه‌های عجیب ازدواج در میان ایرانیان مقارن ظهور اسلام، یادآور گونه‌های تأسف‌بار ازدواج در میان عرب جاهلی است و حتی در مواردی سخیف همچون ازدواج با محارم، گوی سبقت را از عرب‌های جاهلی روده بودند. فرزندان نیز در این دوره از وضعیت مناسبی برخوردار نبودند و ترجیح پسران بر دختران، وجه اشتراکی میان آنان و عرب جاهلی بود. البته در چنین فضایی، گاه زنانی به مرتبه پادشاهی و یا رتبه‌های بالای سلطنتی نیز می‌رسیدند که ناشی از جایگاه خاندانی آنان در پادشاهی ساسانی بود. وضعیت یادشده، ناشی از عواملی بود که در دو دسته درونی و بیرونی قابل پی‌گیری است. عوامل درونی ناظر به ابعاد بینشی و اخلاقی، و عوامل بیرونی ناظر به ابعاد اجتماعی و سیاسی است.

منابع

- افتخارزاده، محمودرضا، *ایران آیین و فرهنگ*، تهران، رسالت قلم، ۱۳۷۷.
- اوستا*، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، چ شانزدهم، تهران، مروارید، ۱۳۷۱.
- بارتولومه، کریستین، «زن در حقوق ساسانی»، ترجمه و ملحقات با مقدمه‌ای در تیپ‌شناسی حقوقی و روان‌شناسی جنسی ایران ساسانی، ناصرالدین صاحب الزمانی، *تحقیقات خاورشناسان*، ۱۳۳۷، ش ۱.
- باهر، محمدجواد و اکبر هاشمی، *جهان در عصر بعثت*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی‌تا.
- بروسیوس، ماریا، *ایرانیان عصر باستان*، ترجمهٔ هایده مشایخ، تهران، هرمس، ۱۳۹۰.
- بهار، مهرداد، *ادیان آسیایی*، چ چهارم، تهران، چشمه، ۱۳۸۲.
- بیات، عزیزالله، *شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- پیرنیا، حسن و اقبال آشتیانی، *تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه*، چ ششم، تهران، خیام، ۱۳۷۰.
- ____، *تاریخ ایران از مادها تا انقراض قاجاریه*، چ سوم، تهران، سمیر، ۱۳۸۷.
- پیرنیا، حسن، *ایران قدیم: تاریخ مختصر ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان*، چ سوم، تهران، اساطیر، ۱۳۹۳.
- جمعی از نویسندگان، *تاریخ ایران کمبریج*، ج ۳ (قسمت سوم ساسانیان)، ترجمهٔ تیمور قادری، تهران، مهتاب، ۱۳۸۹.
- دینوری، ابوحنیفه احمدبن داود، *اخبار الطوال*، ترجمهٔ محمود مهدوی دامغانی، چ هشتم، تهران، نشر نی، ۱۳۹۰.
- رایشلت، هانس، *رهیافتی به گاهان زرتشت و متن‌های نواوستایی*، ترجمه و گزارش جلیل دوستخواه، چ دوم، تهران، ققنوس، ۱۳۸۶.
- رضی، هاشم، *دانشنامه ایران باستان عصر اوستایی تا پایان دوران ساسانی*، تهران، سخن، ۱۳۸۱.
- روایت پهلوی (متنی به زبان فارسی میانه یا پهلوی ساسانی)*، ترجمهٔ مهشید میرفخرایی، تهران، مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.
- زرین کوب، عبدالحسین *روزگاران ایران (گذشته باستانی ایران)*، چ دوم، تهران، سخن، ۱۳۷۵.
- ____، *تاریخ مردم ایران*، چ چهاردهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۲.
- ____، *روزگاران: تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی*، چه هفتم، تهران، سخن، ۱۳۷۸.
- ژینیو، فیلیپ، *ارداویراف نامه (ارداویرازنامه)*، حرف‌نویسی، آوانویسی، ترجمه متن پهلوی، واژه‌نامه، ترجمه و تحقیق ژاله آموزگار، تهران، معین و انجمن ایران‌شناسی فرانسه، ۱۳۷۲.
- ساسان‌پور، شهرزاد، «قشربندی اجتماعی ایران در عصر ساسانیان»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ۱۳۸۹، ش ۱۵۰، ص ۲۰-۲۶.
- سایکس، سرپرسی، *تاریخی ایران*، ترجمهٔ سیدمحمدتقی فخرداعی گیلانی، چ چهارم، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۸.
- ثبایست ناثبایست: متنی به زبان پارسی میانه (پهلوی ساسانی)*، ترجمه و آوانویس کتابیون مزداپور، تهران، مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹.
- شهرزادی، رستم، *قانون مدنی زرتشتیان در زمان ساسانیان (گفتاری درباره کتاب ماتیکان هزار داتستان)*، به کوشش مهرانگیز شهرزادی، چ دوم، تهران، فروهر، ۱۳۸۶.
- شیرمحمدی، مهری، «ازدواج با محارم در اوستا و متون پهلوی»، *حافظ*، ۱۳۹۰، ش ۸۲، ص ۱۴-۱۹.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، *تفسیر المیزان*، ترجمهٔ سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعهٔ مدرسین، بی‌تا.
- طبری، محمدبن جریر، *تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک)*، بیروت، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
- ____، *تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک)*، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۶۲.
- عباسی، مهناز، *فرایند اسلامی‌شدن فرهنگ در ایران تا پایان قرن چهارم با رویکرد تاریخ فرهنگی*، قم، دانشگاه معارف اسلامی، ۱۳۹۱.

فردوسی، ابوالقاسم، *شاهنامه*، چ سوم، تهران، هرمس، ۱۳۸۶.

کریستین سن، آرتور آمانوئل، *وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان*، ترجمه مجتبی مینوی، چ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۴.

کولسنیکف، ای، *ایران در استانه سقوط ساسانیان*، ویراستار: ن. و. پیگولفسکیا، ترجمه محمدرقیق یحیایی، تهران، کندوکاو، ۱۳۸۹.

لوکونین، ولادیمیر گریگوریویچ، *تمدن ایران ساسانی*، ترجمه عنایت‌الله رضا، چ پنجم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۳.

مسعودی، علی بن حسین، *التنبیه و الاثراف*، عنی بتصحیحہ و مراجعتہ عبدالله اسماعیل الصاوی، بغداد، يطلب من المكتبة العصرية فی بغداد، دارالصاوی، ۱۳۵۷ق.

—، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق محمدمحیی‌الدین عبدالحمید، چ چهارم، مصر، مکتبه التجربه الكبرى، ۱۳۸۴ق.

—، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چ دوم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.

مسکویه رازی، ابوعلی، *تجارب الامم*، حقیقه و قدم له ابوالقاسم امامی، تهران، سروش، ۱۳۶۶.

مطهری، مرتضی، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، چ هشتم، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۵۷.

مظاهری، علی اکبر، *خانواده ایرانی در روزگار پیش از اسلام*، ترجمه عبدالله توکل، تهران، قطره، ۱۳۷۳.

مینوی، مجتبی و محمداسماعیل رضوانی، *نامه تنسر به گشنسپ*، چ دوم، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۴.

ولایتی، علی اکبر، *تاریخ ایران پیش از اسلام*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۱.

ویسهوفر، یوزف، *ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، چ چهارم، تهران، ققنوس، ۱۳۸۰.

هوار، کلمان، *ایران و تمدن ایرانی*، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.

الهیوی نظری، زهرا، «جایگاه زن در فرهنگ و حقوق عصر ساسانی»، *علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، ۱۳۸۲، سال سیزدهم، ش ۴۶ و ۴۷، ص ۲۹-۴۲.

یعقوبی، احمدبن اسحاق، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، چ دهم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.

—، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت، دارصادر، بی تا.